

پـــژوهــش هـــای

ایـــــران شنـــــاســی

پـــرســــش و پـــاســــخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

نوشتاری کوتاه از وبگاه ایران شنـــاسی

«سلمان فارسی؛ اسوه ای که اسطوره شد!»

نوشته ی دکتر محمودرضا افتخارزاده

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

*****

سلــمــان فـــارســی؛

اُسوه ای که اُسطوره شد!

پرسش :

با عرض سلام و تحیت.فدوی را ارادتی صد چندان خواهد بود اگر به عرایض بنده توجه فرموده به پرسش های من پاسخ لازم را مبذول فرمایید. پرسش هایم درباره برجسته ترین شخصیت ایرانی اسلام ،«روزبه پارسی» یا «سلمان فارسی» است.حضرت عالی در چند مقاله در همین وبگاه در سال های گذشته به«سلمان» پرداخته اید و من توفیق آن را یافته ام که نسخه (پی. دی .اف)مقالات را از فضای مجازی دریافت کنم.آنچه در آن مقالات افاضه فرمودید بیشتر پاسخ به تحریفات شخصیت سلمان است که توسط افراد نادان و مغرض ایراد شده بود.خواهش من این است که به گونه علمی - انتقادی به این پرسش ها پاسخ فرمایید:۱-علت هجرت روزبه پارسی از زادگاه اش ایران چیست و آیا در«پارس»زاده یا که در«سپاهان»؟۲-سیر و سلوک او از شام تا حجاز چگونه بوده است؟۳- آگاهی و دانش او از آیین زرتشت و نهضت عرفانی مانی و رستاخیزآیینی اجتماعی مزدک و ادیان سامی(تورات و اناجیل)تا چه اندازه بوده است؟ ۴-نقش او در انتقال میراث آریایی به فرهنگ سامی چه بوده و چه میراثی را منتقل کرده است؟۵-زندگی سلمان در دوره حضور پیامبر اسلام چگونه گذشته و در برابر رویداد «سقیفه» چه موضعی داشته و پس از آن چه می کرده است؟۶-آیا سلمان در اشغال زادگاهش ایران همدست اعراب بوده و کارگزاری عمر خلیفه عرب را در تیسفون پذیرفته بود؟۷-سال های پایانی عُمرِ سلمان چگونه گذشته و در کجا درگذشته است؟۸- علت افسانه های بسیار پیرامون سلمان و طول عمر او چیست؟ با احترام و ارادت.صفی الدین جلالی تنکابنی.پژوهشگرتاریخ ایران.

پاسخ :

پاسخ به این پرسش های اساسی ، مستلزم مثنوی هفتاد من کاغذ است! لیک باید به اختصاربسیار بسنده کرد و به فراخور این وبگاه پاسخ گفت!

سلمان از آن گونه شخصیت های شگفتی است که شرح حالش از آغاز تا انجام در هاله ای غلیظ از مه اسطوره فرو رفته است.و این به خاطر نقشی بوده که او در «اسلام» داشته است. روایات شرح حال سلمان سراسر تبلیغی تالیفی است و هر دسته ای به نفع خویش تبلیغ و تالیف کرده است.۱ - به همین دلیل زادگاه سلمان دستخوش وابستگی های اقلیمی مولفانِ شرحِ حال او شده وهر گروهی اورا به اقلیم خویش نسبت داده زیرا انتساب سلمان به آن اقلیم، فضلیتی بس بزرگ بوده است.لیک در جغرافیای معنویت ایرانی،«اقلیم پارس»حاصل خیزترین کانون عرفان ایرانی است.چراکه هماره عرفان خیز و پارسا پرور بوده است.برخلاف«سپاهان»که اصولاً از دیر باز در ایران باستان پایگاه کشوری- لشکری بوده و آنگه پناه گاه جهودان و سرانجام در پی اشغال ایران توسط تازیان به مدت نُه سده ،جایگاه سُنیان متعصّب حنفی و شافعی! تا آنجا که تبعیدگاه مخالفان خلافت اموی - عباسی گردیده بود و چنان شهرت یافته بودکه :«مردم آن دیار در تعصب و دشمنی باعلویان و شیعیان سرسخت ترین اند!»(نک:الغارات.مقدمه).یکی از این متعصبان سرسخت مشهور و معروف ، همین«ابونعیم اصفهانی»(۳۳۶-۴۳۰مهشیدی)است که در تازی زدگی بی مانند است و کتاب «الرد علی الرافضه» را در تکفیر شیعه ی امامیه نوشته است(چاپ مدینه.۱۴۰۷مهشیدی) .نام ایرانی سلمان نیز دسخوش سلایق مولفان روایات تبلیغی شده است(نک:نوری/فضایل)گریز سلمان از میهن اش به دلیل تصلّب ، تعصّب و تحجّرِ موبدان سخت سرساسانی و فضای غلیظ و افراطی آیینی مغانی بوده است. ۲ - روایات سیر و سلوک او در شام نیز سراسر تبلیغی تالیفی است .تلاش بر این بوده تا خبر و بشارت ظهور رسول اسلام را از زبان سلمان به اذهان برسانند. بی گمان سلمان بنا به سرشت ایرانی اش کنجکاو بوده و می خواسته آیین های سامی رایج روزگارش را به درستی بشناسد. ۳ -حکمت سرشار سلمان و دانش لبریز او ریشه در آیینِ متورّم و متراکم زرتشت و پارسایی بی پیرایه ی او نشان از تاثّرِ مانوی و ساده زیستی اجتماعی وی ریشه در آموزه های انقلابی مزدکِ بامدادان داشته است.پیداست که در این سیر و سلوکِ دور و دراز، با متون و شروح سُریانی«عهدعتیق و جدید» به درستی آشنا شده و بنا به همان سرشت پُرمَلَکات آریایی اش ، به مطالعه ی تحقیقی تطبیقی مقایسه ای آیین های

آریایی و سامی پرداخته است.۴-آنچه منتقل شده گنجینه ای از میراث عظیم فقهی کلامی عرفانی زرتشت،مانی و مزدک ودریافت هایی ویرایش شده از«عهدعتیق وجدید»بوده است.بی گمان مبارزه ی او با اصل«کنزاندوزی»که در آیه ی ۳۴ سوره ی مدنی«توبه»هم آمده،پیامد آموزه های مزدک و تجربه ی عینی سلمان در شام است که پرده ازکنزاندوزی راهبِ سکه پرستِ نصرانی برداشت و توده ها ی بینوا را به کنزنهفته ی او رهنمود!۵- این بخش از زندگی سلمان نیز در هاله ای از «ابهام و اسطوره» فرو رفته است.پیداست که سلمان را با رسول نشست های بس بلند مدت شبانه بوده تا آنجا که زنان رسول نگران حال وی می شدند. تعاریف رسول و پیشوایان شیعه و رهبران سنی از سلمان معرّف دانش بیکران و فضایل بی مانند اوست.درگیری«اوس» و «خزرج» و سپس«انصار»و«مهاجران»بر سر تعلق سلمان به این یا آن دسته و سرانجام دخالت رسول که: نه این و نه آن ،بلکه«الّسلمان منّا اهل البیت»نشان از جایگاه ویژه ی سلمان دارد.روایات متاخّر مدّعی اندکه:«سلمان زبان تازی به درستی ندانستی چنان که کس نفهمیدی چه گفتی». در اینجا روایات سنی می گویند که«رسول مترجمی یهودی گرفتی که پارسی دانستی....»و این در آغاز دیدار سلمان و رسول بودی! در روایات شیعی آمده است که:«به خواسته ی رسول ،جبریل سلمان را تازی رسا بیاموختی»بی گمان سلمان در شام، «سریانی» آموخته بود و تورات و انجیل را به سریانی می دانست.ازحضور او در حجاز چند صباحی بیش نگذشته بود که با رسول آشنا شد و اسلام آورد.بنابراین احتمال کم دانستن زبان تازی می رود .در پی رویداد«سقیفه»،سلمان حکیمانه و بس خرد مندانه موضع گرفت و به پارسی پرمعنای چندپهلویی در جانبداری از«علی»خطاب به سران سقیفه گفت:«کرتید و نکرتید»!!کلامی بس عمیق که در«تاریخ»مورد جدال کلامی تفسیری شیعه و سنی قرار گرفته است!۶- روایات دخالت سلمان در اشغال ایران می تواند ساخته و پرداخته پان عربیسم اشغالگر باشد.البته باید دریافت که سلمان چقدر«تازی زده» شده بود که به میهن اش خیانت کند و در اشغال آن بکوشد.لیک شواهد و قراین «سیره ی سلمان» نشان می دهد که او تازی زده نشد و پس از رویداد سقیفه و افول آرمان هایش در«تاریخ»ناپدید گردید!فقط می دانیم که در سال های خلافت بوبکر و عمر،در مدینه«ممنوع البیان»شده بود و«خلافت عربی» وی را از سخن گفتن و معاشرت با دیگران بازداشته بود!کوچیدن او از مدینه به مداین به همین دلیل بود!۷- گویا به پارسایی و گوشه گیری و پرهیز از توده های تازی زده! این بخش از زندگی سلمان نیز مانند دیگر بخش ها در«ابهام و اسطوره»فرو رفته و تنها روایات تبلیغی تالیفی و تعلق خاطر مولفان از این

بخش سخن می گویند.همین روایات سلمان را به مداین و یا اصفهان می برند و از زن و زندگی سلمان و دختران او در آنجا و مصر خبر می دهند!! همین روایات مرگ سلمان را در مداین می دانند که زنش«بُقَیره» بر بالین اوست!۸- نقش منحصر بفرد سلمان در اسلام،و تعلق خاطر محدثان،مفسران ،مورخان ، موسّسان فرقه ها و اِعمالِ خواسته ها و آرمان های مذهبی فرقه ای از زبان سلمان ، سبب شد که سلمان از آغاز تا انجام«اسطوره»شود و شد.سلمان در روایات فرقه ها باید نقش«خضر»را در ادیان سامی بازی می کرد که چندصد سال پیش از ظهور اسلام حضور داشته و بشارت رسول را از شخص عیسا یا آخرین وصی او گرفته و به گوش«تاریخ»رسانده است!

یادداشت ها:

- سلمان شناسی : منابع سنی : محمد بن سعد/ طبقات۶۹/۴تا۸۷+ ۳۱۹/۹-۳۲۰.+بغدادی / تاریخ۱۶۵/۱-۱۶۹.+۱۹۸/۹-۲۰۲.+شرح حال سلمان در : ابونعیم/ حلیه ۱۸۵/۱ تا ۲۰۸ .+۲۳۷/۲.+۱۰۹/۳.+۲۰۴/۴ ، ۲۸۵ . +۲۱۰/۷.+۱۳۴/۸ ، ۱۳۸ .+ابونعیم/ اخبار ۴۹/۱ تا۵۷.+ذهبی / سیر ۱۸۶۶/۲تا۱۸۸۰.مفصل ترین شرح حال که همه روایات سنیان را در خود دارد.منابع ذهبی عبارتند از : طبقات + حلیه.+ابن عساکر۱/۱۹۴/۷.+مجمع ۳۳۲/۹-۳۴۴.+تهذیب التهذیب۱۳۷/۴.+الاصابه۲۲۳/۴.+والدیار / تاریخ ۳۵۱/۱تا ۳۵۸.+ابن کثیر / السیره۶۲ تا ۶۴.+ ابن حجر / الاصابه + صواعق .+ابن عساکر. ابن کثیر و ذهبی همه روابات این سه را آورده اند. منابع شیعی : نوری/فضایل سلمان (به تازی) همه ی روایات شیعی و سنی را گرد آورده .از این رو دایره المعارف خوبی است.منابع شیعی نوری بسیار زیادند: اکمال الدین صدوق.+الاختصاص مفید.+المحاسن برقی .+الغیبه ی توسی.+مناقب ابن شهرآشوب.+روضه الواعظین.+بحارالانوار.+تاریخ گزیده ی مستوفی.+المنتقی کازرونی .+قصص الانبیاء+امالی.+کفایه الاثر.و...فرقه های غالی شیعه : الهفت الشریف /تمام کتاب. به ویژه :باب ۳۷ و ۴۱. + الباکوره السلیمانیه فی کشف اسرار الدیانه النُصَیریه / نسخه خطی عکسی موجود در فضای مجازی/ تمام کتاب/نقش اسطوره ای سلمان.+الهدایه الکبری.

- زادگاه : منابع سنی و شیعی اختلاف در زادگاه : بیشتر: اصفهان .کم تر : رامهرمز ، فارس ؛ کازرون ، شیراز. دشت ارژن . مولفان شعوبی اهل اصفهان و فارس در تالیف این بخش از روایات نقش داشته اند.مسئله ی فضیلت شهرهای ایران بخشی از تلاش های تبلیغاتی شعوبیه بوده است.نک :به کتاب ما :شعوبیه ؛ نهضت مقاومت ملی ایران.+چاپ دوم :شعوبیه ؛ناسیونالیسم ایرانی.

- نام و نشان: پیش از اسلام :روزبه ، ماهویه ، مابه ، بهبود پسر بدخشان پسر آذر جستنش . شجرنامه : از اساوره ی فارس . از نوادگان منوچهر پادشاه . پس از اسلام : سلمان ، ابوعبدالله سلمان بن الاسلام .مستوفی در تاریخ گزیده۲۳

:ناجیه بن بدخشان بن اردچین بن مرد سالار بن منوچهر.نوری /فضایل ۲۸-۲۹:نام برادر سلمان در کازرون : ماهاد بن فرخ بن بدخشان.ابن شهرآشوب/مناقب ۹۷/۱ : مهاد بن فروخ بن مهیار.کنیه :ابوعبدالله ، ابوالبینات ، ابوالمرشد، سلسل.این کنیه را امام علی به سلمان داده (همین کنیه توسط فرقه های غالی شیعه بسیار بکار رفته.نک :الباکوره ۹.)

- شرح حال سلمان از زبان خودش : روایات تبلیغی تالیفی موجود در همه ی منابع شیعی و سنی با اختلافی نسبتا اندک در برخی عناوین و اسامی و اصطلاحات . اسکلت روایات یکدست است و هرمولفی بر حسب مشرب مذهبی فرقه ای خود در آن دست برده است.در همه ی این روایات ، راوی شخص سلمان است که شرح حال خود را از آغاز تا انجام بیان می کند .بلند ترین روایت را «ذهبی» گرد آورده است. در این روایات به چند نکته توجه ویژه شده : ۱-تحقیر و تحریف هرچه بیشتر آیین زرتشت و فرهنگ آیینی ایران.۲-تقدیس و تعظیم آیین های سامی به ویژه «مسیحیت شرقی».۳- بشارت ظهور پیامبر اسلام از زبان راهبان مسیحی .تاکید سلمان بر این موضوع که وی بشارت ظهور را از ۱۳ یا ۱۴ راهب در گذر این سال ها شنیده و شیفته ی دیدار پیامبر آخرالزمان شده و خلاصه خود را به هرترتیبی به حجاز رسانده است.مولفان این گونه روایات ایرانیان مسلمان تازی زده ای بوده اند که در تعلق خاطر به عربیت ، ناسپاسی کرده به فرهنگ آیینی و هویت ملی میهنی خویش پشت نموده دشنام داده وناسزا گفته اند.خُلق و خُویی همچنان مستدام و استوار در همیشه ی تاریخ این سرزمین !

- سلمان در حجاز : در روایات تبلیغی تالیفی بیشتر منابع شیعه و سنی ، دیدار سلمان با رسول در مدینه است . در دو منبع تاریخی و یک منبع رجالی این دیدار در مکه بوده است.ذهبی در کتاب «تجرید اسماء الصحابه۲۹۹۱/۲۴۷/۲» به نقل از «ابوموسی المدینی» از یکی از زنان صحابی رسول به نام «امه بنت الفارسیه» یاد می کند و می نویسد که سلمان در مکه اورا ملاقات کرده است: «۲۹۹۱- امه بنت الفارسیه التی لقیها سلمان بمکه ، مجهوله»که البته می تواند این دیدار پس از فتح مکه باشد.(من در سال ۱۳۷۳ خورشیدی همین جمله را مبنای یک فیلمنامه قرار دادم و نمایه ی آن را «فرانک دختر ماهویه» نام نهادم و متنی بسیار شورانگیز با چاشنی خاطره قومی نوشتم) .ابونعیم در حلیه الاولیاء۱۹۰/۱-۱۹۱ می گوید که سلمان در مکه در پی رسول بوده و زنی اصفهانی او را به جایگاه رسول ره نموده است.در این روایت سلمان می گوید:«...حتی قدمتُ مکّهَ ، جعلنی فی بستان له مع حبشان ، فخرجت خرجه ، فطفتُ مکّه ، فاذا امراءه من اهل بلادی ، فسالتُها و کلمتُها فاذا موالیها و اهل بیتها قد اسلموا کلها.....». در این روایت شوایب شعوبی به وضوح به چشم می خورد که پیشینه ی اسلام اهل اصفهان را به سال های نخست ظهور اسلام در مکه می رساند. و این نشان از رقابت مولفان ایرانی مسلمان تازی زده با یکدیگر در فضلیت بخشیدن به اقلیم شان دارد.مسئله ی آزاد کردن سلمان از بردگی مرد یا زن یهودی در مدینه نیز مورد رقابت سنیان ایرانی تازی زده قرار گرفته و کوشیده اند تا این فضیلت نصیب ابوبکر و عمر شود که رسول به بوبکر گفته برو سلمان را بخر و آزاد کن و او رفته و چنین کرده است!

- زبان سلمان : نکته ی دیگر که می تواند آمیزه ای از «واقعیت و اسطوره» باشد، مسئله ی زبان سلمان است.بی گمان سلمان در شامات زبان سریانی آموخته چراکه زبان مسیحیت شرقی آن خطه و تورات و انجیل، زبان های سریانی ،آرامی وکلدانی بوده است. در روایت سنیان آمده که :«...کان لایُفقَه کلامه من شدّه عجمیته و کان یسمی خشب

الخشبان...»(نک:اخبار۱/۵۵).مولف «تاریخ الخمیس» آورده است که :«...و فی شواهد النبوه : لما جاء سلمان الی النبی لیسلم لم یفهم النبی کلامه فاتی بتاجر من الیهود یعلم الفارسیه و العربیه ،فمدح سلمان النبی و ذمَّ الیهودَ فغضب الیهودیُ و حرّفَ الترجمه .فقال :ان سلمان یشتمک! فقال النبی: هذا الفارسی جاء لیوذینا. فنزل جبرئیل و ترجم کلامَ سلمان.فقال النبیُّ ذلک للیهودی. فقال: یا محمد اذا کنت تعرف الفارسیه فما حاجتک الیّ؟! قال رسول الله: ما کنت اعلمها قبل .فالان علمنی جبرئیل.....قال النبی لجبرئیل: علّم سلمانَ العربیه.قال : قل له لیغمض عینیه و لیفتح فاه ، ففعل سلمان. فتفل جبرئیل فی فیه.فشرع سلمان یتکلم بالعربی الفصیح....»«در کتاب «شواهد النبوه» آمده که چون سلمان حضور رسول رسید تا اسلام آورد. رسول سخن سلمان را درنیافت .بازرگانی یهودی را آوردند که پارسی و تازی بدانستی.سلمان رسول را خوبی و یهود را بدی گفتی.یهودی به خشم آمدی و ترجمه ی کلام سلمان را تحریف کردی و رسول راگفتی : سلمان تورا دشنام دهاد. رسول بگفت :این مرد پارسی آمده تا مارا بیازارد.جبریل فرو آمد و سخن سلمان را برای رسول ترجمه کرد.رسول آن را به یهودی باز گفت. یهودی بگفت:ای محمد! اگر پارسی بدانستی چه نیازی به من داشتی!؟رسول بگفت:زین پیش ندانستمی کنون جبریل مرا آموخت!...رسول جبریل را بگفت: سلمان را تازی آموز!جبریل بگفت : سلمان را بگوی تا دوچشم فروبندد و دهان بگشاید.سلمان چنین کرد.جبریل در دهانش تف کرد.سلمان به تازی رسا سخن گفت...»(نک:تاریخ الخمیس۱/۳۵۱-۳۵۲)در روایت دیگر سلمان می گوید:«...و لا اجد احدا یفقه کلامی حتی جاء ت عجوز فارسیه تسقی، فکلمتها فعرف کلامی ....»« ... در مدینه کسی را نیافتمی که زبان من بدانستی.تاکه پیر زنی پارسی که سقا بود بیامد و با او سخن گفتم و او زبانم را فهمید...»(نک:حلیه ۱۹۴/۱-۱۹۵)

- سیر و سلوک سلمان درشام : روایات تبلیغی تالیفی ، سلمان را خادم کلیسا و خدمتکار راهبان و کشیشان مسیحی و مرید ومطیع و منقاد و مقلد نشان می دهد.نتیجه ی چنین تصاویری ، پذیرش بی چون و چرای مسیحیت و تعبّد آیینی است تا بشارت ظهور رسول آخرالزمان را از ژرفای جان پذیرا باشد. تنها وجه قابل تامل سال های اقامت سلمان در شام، کنزاندوزی راهب سکه پرست نصرانی است که صدقات زر و سیم را از مومنان مسیحی می گرفت و در نهان می اندوخت و به بینوایان نمی داد.سلمان این راز را افشا کرد و توده های مسیحی را شوراند.این عصیان سلمانی می تواند در باور های نهضت اقتصادی اجتماعی مزدک علیه اشرافیت و روحانیت ساسانی ریشه داشته باشد.

- سلمان در روایات فرقه های غالی شیعه : کتاب «الهفت الشریف» احتمالا میراث سده ی سوم مهشیدی. منسوب به مفضل بن عمرو جعفی از اصحاب پیشوای ششم شیعه امامیه. محتوای این کتاب حیرت انگیز گفتگویی است میان امام صادق ومفضل بن عمرو جعفی و از آن شگفت نگیز تر کتاب« الباکوره السلیمانیه فی کشف اسرار الدیانه النُصَیریه»احتمالاتالیف سده ی خورشیدی معاصر است .در باور فرقه غالی نصیریه سلمان همه کاره است که طرح و شرح آن در این نوشتار نمی گنجد!



اَلدِّراســاتُ الايــرانيِّــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

للباحثِ الكاتب و المترجم الايرانى

الدكتورمحمودرضاافتخارزاده

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH

Iranian writer , Researcher & Translator

***